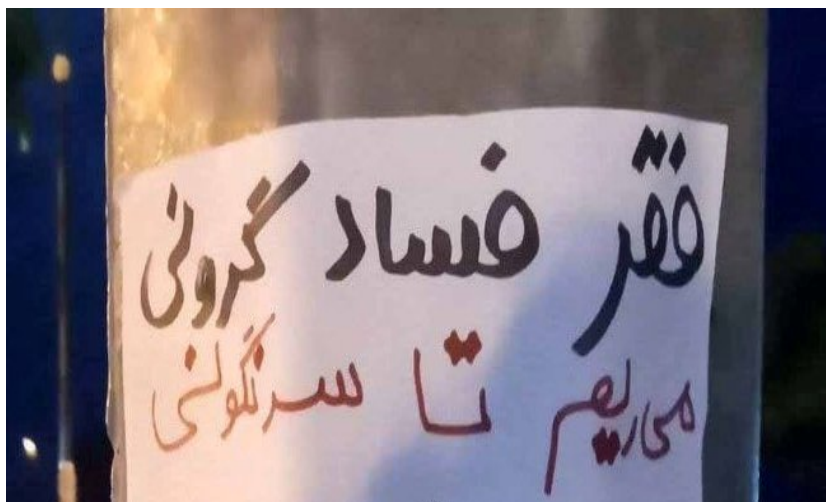


سونامی بیکاری در ایران؛ جامعه بر لبه انفجار

شهلا دانشفر، صفحه ۲



"رهنمود" برای انفعال یا سرنگونی - یاشار سهندی

صفحه ۳

ادامه سه شنبه های نه به اعدام، تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و هفته تپه و

اخباری دیگر

صفحه ۶

اعتراضات کارگران پتروناد، کارگران صاپنا و کارکنان توسعه نیشکر

صفحه ۷

در یک همبستگی گسترده، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، بیست ژوئن، را

هر چه باشکوه تر برگزار کنیم

صفحه ۸

مدیای اجتماعی

جنگ و بیکاری و اخراج زنان کارگر، صفحه ۵

عدم افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی: شورای بازنشستگان ایران، صفحه ۶

بازنشستگان راهی جز اعتراض ندارند! علی نجاتی، صفحه ۶

هشدار آکسفام: رکوردشکنی بی سابقه ثروت میلیاردرها در برابر فقر نیمی از جهان، صفحه ۸

ایستادگی در برابر عفو نمایی، صفحه ۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۳۶

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

۱۸ مه ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

جنگ و بیکاری و اخراج

زنان کارگر

برگرفته از مدیای اجتماعی

حزب کمونیست کارگری

دوم ژوئن: آکسیون در

مقابل کنفرانس سالانه

آی ال او در ژنو

برگرفته از مدیای اجتماعی

صفحه ۷

به حزب

کمونیست کارگری

پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

سونامی بیکاری در ایران؛ جامعه بر لبه انفجار - شهلا دانشفر



اخراج می‌کنند یا دستمزدها را ماه‌ها به تعویق می‌اندازند. قراردادهای موقت، حذف بیمه، تعویق حقوق و تهدید کارگران معترض نیز به بخشی از وضعیت روزمره تبدیل شده است.

روشن است که این ابعاد از بیکاری و بیکارسازی‌های گسترده، تنها به معنای

نداشتن شغل نیست؛ میلیون‌ها نفر از شاغلان نیز در فقر و گرسنگی به‌سر می‌برند. کارگران قرارداد موقت، کارگران پروژه‌ای، معلمان حق‌التدریسی، پرستاران، رانندگان، کارکنان خدماتی و حتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، هر روز بیش از گذشته با ناامنی شغلی و خطر اخراج روبه‌رو هستند.

به این ترتیب، جامعه ایران با یک وضعیت عادی روبه‌رو نیست؛ بلکه شیرازه زندگی مردم عملاً در حال فروپاشی است. اما در مقابل، همبستگی و خشم اجتماعی نیز در حال گسترش است. ترکیب بیکاری گسترده، سقوط درآمدها، فساد، سرکوب و بی‌آیندگی، جامعه را به سمت انفجار اجتماعی سوق داده است. جوانانی که آینده‌ای نمی‌بینند، کارگرانی که دستمزد نمی‌گیرند و خانواده‌هایی که زیر فشار گرانی خرد شده‌اند، دیگر تحملی برای ادامه این وضعیت ندارند. و این همان جامعه‌ای است که در آن مردم در دی‌ماه ۱۴۰۴ در اعتراض به فقر، فساد، گرانی و سرکوب، در بیش از دویست شهر به خیابان آمدند و با سرکوب و کشتار بی‌رحمانه حکومت مواجه شدند. مردمی که پس از این جنایات نیز ساکت ننشستند و با برگزاری مراسم‌های گسترده گرامیداشت و سر دادن شعار «مرگ بر دیکتاتور» پیام ایستادگی و ادامه مبارزه را فریاد زدند. بنابراین امروز نیز وقتی خانواده‌ها توان تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی را از دست داده‌اند، جامعه راهی جز از سر گرفتن اعتراضات خود نمی‌بیند.

در چنین شرایطی است که علیرغم فضای نظامی و سرکوب بی‌رحمانه حکومت، بار دیگر شاهد سرب‌آوردن اعتراضات کارگری و اجتماعی در نقاط مختلف کشور هستیم؛ اعتراضاتی که نشانه انباشت عمیق خشم و نارضایتی مردم است. هرچه فشار اقتصادی و سرکوب بیشتر می‌شود، شکاف میان حکومت و جامعه نیز عمیق‌تر می‌گردد.

خلاصه کلام اینکه قطع اینترنت، نابودی صنایع، بیکارسازی‌های گسترده، پرداخت نشدن دستمزدها و تحمیل فقر به جامعه، شرایطی ساخته که می‌تواند به تحولات و تش‌های اجتماعی گسترده‌تری منجر شود. امروز فضای جامعه بیش از هر زمان دیگری انفجاری است. اعتراضات کارگری، خشم عمومی نسبت به فساد و تبعیض، و نارضایتی عمیق از تحمیل هزینه‌های جنگ و سرکوب بر مردم، نشان می‌دهد که بحران موجود فقط اقتصادی نیست؛ بلکه بحرانی همه‌جانبه است که مشروعیت و ثبات کل ساختار را تحت تأثیر قرار داده است. و مردم مترصد فرصتی هستند که انقلاب ناتمام خود را برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی به پیروزی رسانند.

زنده باد انقلاب

در سال‌های اخیر، بحران بیکاری در ایران دیگر فقط یک مشکل اقتصادی نیست؛ بلکه به یک بحران اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی تبدیل شده است؛ بحرانی که حاصل مجموعه‌ای از سیاست‌های ویرانگر، جنگ‌افروزی، سرکوب داخلی و انتقال بار تمام بحران‌ها بر دوش مردم است.

رکود عمیق اقتصادی، فساد ساختاری و غارت منابع عمومی، تحریم‌ها و انزوای اقتصادی، خصوصی‌سازی‌های رانتی و واگذاری کارخانه‌ها به باند‌های مافیایی حکومت، سقوط ارزش ریال، سیاست‌های جنگ‌افروانه و ماجراجویی‌های منطقه‌ای حکومت، و صرف میلیاردها دلار برای ساخت شهرک‌های موشکی، پروژه‌های نظامی، دستگاه‌های سرکوب و نهادهای مذهبی، همگی از عوامل پایه‌ای شکل‌گیری بحران عظیم بیکاری، موج گسترده بیکارسازی‌ها و سقوط معیشتی کل جامعه هستند.

نتیجه این روند، تعطیلی یا نیمه‌تعطیل شدن هزاران واحد تولیدی، بیکارسازی‌های وسیع در بخش‌های مختلف و وارد آمدن صدماتی جبران‌ناپذیر به زیرساخت‌های حیاتی کشور بوده است؛ روندی که ابعاد بحران را هر روز عمیق‌تر کرده است.

بعد از جنگ، کشتار دی‌ماه و تشدید فضای امنیتی، بحران بیکاری در ایران وارد مرحله‌ای تازه و بسیار حادث‌تر شده است. دیگر صحبت فقط از رکود یا تورم نیست؛ اکنون جامعه با ترکیبی از ویرانی اقتصادی، فروپاشی معیشت، بیکارسازی‌های گسترده و سرکوب خشن روبه‌روست؛ شرایطی که زندگی میلیون‌ها نفر را مستقیماً تحت تأثیر قرار داده و خشم و بی‌ثباتی اجتماعی را به سطحی بی‌سابقه رسانده است. قطع و اختلال گسترده اینترنت پس از اعتراضات و در فضای امنیتی، ضربه‌ای سنگین به معیشت مردم وارد کرده است. هزاران کسب‌وکار اینترنتی، فروشگاه آنلاین، شرکت کوچک، فریلنسر و نیروی جوانی که از اقتصاد دیجیتال امرار معاش می‌کردند، عملاً نابود شده‌اند. بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده که هیچ جایگاهی در بازار کار رسمی نداشتند، آخرین راه درآمد خود را نیز از دست داده‌اند.

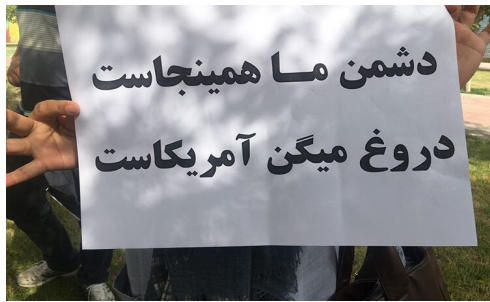
در جریان جنگ‌ها و تش‌های ناشی از سیاست‌های حکومت، زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی نیز تخریب شده‌اند و بخش‌هایی از صنایع کلیدی کشور، از جمله نفت، پتروشیمی، فولاد و زیرساخت‌های انرژی، آسیب‌های جدی دیده‌اند. این صنایع ستون فقرات اشتغال و درآمد کشور محسوب می‌شوند و آسیب به آن‌ها بحران معیشتی گسترده‌ای ایجاد کرده است. کارگرانی که سال‌ها در شرایط سخت در پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های پتروشیمی و کارخانه‌های فولاد کار کرده‌اند، امروز با اخراج، تعویق دستمزد و ناامنی شغلی روبه‌رو هستند.

هر روز خبر اخراج کارگران، تعویق حقوق‌ها و تعطیلی کارخانه‌ها منتشر می‌شود. از صنایع فولاد و پتروشیمی گرفته تا نساجی، ساختمان، معدن و خدمات، موج تازه‌ای از بیکارسازی‌ها به راه افتاده است.

همه این‌ها نشان می‌دهد که فشار اقتصادی بر جامعه عارضه‌ای از فروپاشی عمیق اقتصادی حکومت است که ریشه‌ای کاملاً سیاسی دارد. و امروز حکومت در سایه جنگ و برای حفظ بقای ساختار خود، تعرض به معیشت مردم را شدت داده و می‌کوشد هزینه نیروهای نظامی، دستگاه سرکوب، جنگ، کشتار و جنایت را بر دوش مردم آوار کند.

هم‌زمان موج تازه‌ای از بیکارسازی‌ها در کارخانه‌ها، پروژه‌های صنعتی و مراکز خدماتی آغاز شده است. کارفرمایانی که بخش بزرگی از آن‌ها خود وابسته به نهادهای باندهای حکومتی هستند، با استناد به بحران اقتصادی و خسارات جنگ، نیروها را

زن، زندگی، آزادی!



رهنمود" برای انفعال یا سرنگونی - یاشار سهندی

جمهوری اسلامی سرمایه با گروگان گیری تنگه هرمز و حمله بی پروا به کشورهای منطقه تا لحظه حاضر از جنگی که اسرائیل و امریکا علیه اش بره انداختند، علیرغم تشدید آشفته‌گی ها در میان سرانش توانسته است جان سالم بدر ببرد. اما مهمتر از تنگه هرمز خیابان بود که مورد حمله جمهوری اسلامی قرار گرفت. برای تصرف خیابان مهمترین زیر ساختی که بعد از اولین بمباران در روز ۹ اسفند مورد حمله جمهوری اسلامی قرار گرفت اینترنت بود تا مانع ارتباط مردم با هم شود. و از سوی دیگر با قطع اینترنت مرکز اقتصادی مهمی را از دسترس مردم خارج ساخت که طبق گفته های برخی روزانه ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار خسارت روی دست مردم میگذازد. زیر ساختی که جمهوری اسلامی مورد حمله قرار داده است، حتی بعد از آتش بس به توده مردم ضرر و آسیب رسانده است. حمله خطرناک دیگری که جمهوری اسلامی به بهانه جنگ مورد حمله قرار داده است سطح معیشت است که با گرانی بی وقفه، مانند یک توپخانه سنگین زندگی مردم را هدف قرار داده است.

جنگ فروشان وعده داده بودند به صورت "نقطه زنی" سران حکومت را میزنند، به اضافه مراکز سرکوب رژیم، بعد دیگه مردم چی میخواهند! باید بریزند کار را تمام کنند! نقطه زنی گسترش یافت هر جا که مراکز غیر نظامی تلقی میشود و طبق قوانین جنگ بورژوازی باید مصون از حمله باشد، ایشان مدعی شدند "مصرف دو گانه" داشته برای همین بمباران شد، حتی تردد یک لانچر شلیک موشک وسط خیابانهای شهر. بهر حال خیابان هم مصرف دوگانه دارد! مراکز تولیدی مانند فولادسازها و نفت و پتروشیمی ها و بسیاری از مراکز دیگر از این دست در سراسر ایران، به همین بهانه ویران شدند.

جمهوری اسلامی اما هدف اصلی خود را هیچگاه گم نکرده است. و برای اینکار همه گونه امکانات، از بهترین برندهای جهانی را برای سازماندهی و تجهیز نیروهای سرکوبش فراهم کرده است. دشمن اصلی جمهوری اسلامی مردم هستند که سنگرشان خیابان است. مردم ایران هم هدف اصلی شان را شناختند که در شعار: دشمن ما همینجاست دروغ میگن امریکاست، متجلی است. امر سرنگونی رژیم از دستور کار جامعه خارج نشده، جنگ ۴۰ روزه نه تنها این امر را تضعیف نکرده است بلکه ضرورت آنرا صد چندان کرده است. تا وقتی جمهوری اسلامی هست جامعه در هیچ زمینه ای به آرامش نمی رسد.

بیکاری وسیع، گرانی بی حد و مرز حکایت از ویرانی زیرساختهای زندگی ما مردم ایران دارد که به همت جمهوری اسلامی ممکن گردیده است. و همراه با آن احساس ناامنی شدید مداوم، که با وجود حکومت اسلامی و جنگی که هر لحظه ممکن است دوباره شعله ور شود، هیچ آرامش روانی برای هیچ بخشی از جامعه باقی نگذاشته است. اما با این وجود با توجه به تجارب تاریخی و تجارب بسیار نزدیک در تاریخ معاصر با وجود جنگ و گرانی و عمق یافتن فلاکت، جامعه مستاصل نشده است. (البته اگر مثلاً به تلویزیون ایران اینترنت نشان توجه نکنید که سعی دارد این جور دامن بزند که مردم ناامید و مستاصل هستند و منتظر تعیین تکلیف از سوی ترامپ و فراخوان مجدد شاهزاده هستند، پس جاوید شاه! البته حساب بی بی (تانیاهو) را جدا کردند و توصیه میکنند کار را بسپرنند به ایشان تا تمامش کند!) اما همانگونه که اشاره شد دستور سرنگونی حکومت اسلامی بیش از هر

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

زمانی دیگر امر مهم و ابتدایی جامعه است. جنگ اخیر مصایب زندگی ما کارگران را صد چندان کرده است. و به این بهانه مصاحبه ای در نشریه "جهان امروز" با چند تن از کسانی که فعال کارگری معرفی شدند منتشر شده که قرار بوده به همین مصایب گریبانگیر کارگران و مبارزه آنان بپردازند.

این افراد اما چون کسی ظاهر میشوند که چند تا پیراهن بیشتر پاره کرده اند، برای همین وظیفه همیشگی خود را "هشدار به فعالین کارگری برای جلوگیری از انحرافات در جنبش کارگری" تعریف کرده اند. بی تعارف "رهنمودهایشان" سنگی از سر راه کارگران بر نمی دارد. اوضاع و احوال جنبش کارگری را نه نتیجه سرکوب گری بی نهایت خشن و بی رحمانه حکومت اسلامی سرمایه، بلکه بیش از آن و بیشتر از آن این حس را القاء میکنند که نتیجه بی توجهی فعالان کارگری به "رهنمودها" و کم کاری فعالین جنبش کارگری است.

در همین مصاحبه معین، در جواب ایشان به یک سوال مشخص، چیزی که مشهود است غیبت نقش جمهوری اسلامی در شرایطی است که به کارگران تحمیل شده و سرکوب بی محابای جنبش کارگری توسط این حکومت است. و به همین سبب به امر سرنگونی حکومت اصلاً اشاره نمی شود.

در دنیای واقعی آنجا که کارگران دور هم نشسته اند، در گفتگوهایشان مسبب مصایب جنگ را جمهوری اسلامی میدانند که با اصرار برسیاستهای ویرانگرش، مانند سازماندهی نیابتی ها، انرژی هسته ای و موشک های بالستیک زمینه بروز جنگ اخیر را فراهم کرده است. کارگران بیکار شده وقتی به اداره کار جهت بیمه بیکاری مراجعه میکنند با دولت ترامپ و تانیاهو روبرو نیستند با حکومت اسلامی مواجه اند که هزار و یک بهانه جلو پای کارگر میگذارند. و اگر قرار است اعتراض جمعی صورت بگیرد، که مصاحبه شوندگان بر آن تأکید دارند مشخصاً علیه جمهوری اسلامی باید باشد، نه حمله کنندگان به جمهوری اسلامی.

بی توجهی به نقش ویرانگر جمهوری اسلامی در شکل گیری شرایط حاضر حتی در مقدمه سوال نشریه فوق انعکاس یافته است. در مقدمه سوال حکومت اسلامی، به عنوان یک دولت مافیایی غارتگر، سرکوبگر بی رحم به یک "دولت ضد کارگری" تقلیل پیدا کرده است. بعد کارگران هستند و کارفرمایان! گویا ما به یک حکومت متعارف بورژوازی طرف هستیم که ضد کارگر هم هست که نمیتوانست نباشد! در حکومت اسلامی کارفرمایان پشت شان به حمایت همه جانبه حکومت گرم است. آخرین نمونه: جمهوری اسلامی تبصره ای برای افزایش حقوق امسال مصوب کرده که بر اساس آن تمامی صناعی که از جنگ آسیب دیده اند می توانند حقوق کارگران را افزایش ندهند! این یعنی حمایت بی تخفیف از استثمار بی حد و حصر. و برای همین در سایتهای حکومتی خبرهای منتشر شده که بسیاری از شرکتهای نمی خواهند افزایش حقوق برای سال ۱۴۰۵، را اعمال کنند. افزایش حقوقی که همین دو ماه گذشته با گرانی تحمیلی بی معنی شده است.

با این مقدمه غلط در سوال نشریه فوق، مصاحبه کنندگان باید به این سوال جواب

رهنمود "برای انفعال یا ..."

از صفحه ۳



طبقه کارگر در امر سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است. و امر رهبری طبقه کارگر با حزب سیاسی آن ممکن است. (از نظر ما آن حزب موجود است، حزب کمونیست کارگری. برخی از ایشان که حتی فعال سازمانی هستند تازه رهنمود می‌دهند باید رفت شکل و حزب ساخت! اینجاست که آدم محکم باید بزند به پیشانی خودش!)

این مهم برای چپی که در عوالم خودش اسیر شده، هضم نشدنی است چون انقلاب دو مرحله ای (دموکراتیک و سوسیالیستی) ابتدای قرن بیستم در روسیه، را برای شرایط امروز باور دارند. اینکه ایشان حتی نمی‌توانند با شعار انقلاب زن زندگی آزادی به راحتی کنار بیایند از همین جا منشا میگیرد. و چقدر مفت و مُسلم حتی صفت "دموکراتیک" را دوستی به بورژوازی تقدیم میکنند.

بر خلاف تصور این دوستان رهنمودهای ایشان جز تقویت انفعال و معرفی کردن طبقه کارگر به عنوان یک طبقه منزوی از بقیه جامعه هیچ ثمری ندارد. از وقایع دی ماه سال ۹۶ بدین سو، بخصوص بعد از واقعه قتل مهسا (ژینا) امینی که منجر به شکل گیری انقلاب زن زندگی آزادی گردید، و نیز جنگ اخیر که نشان داد این حکومت به معنای واقعی کلمه خواستار به جا گذاشتن زمین سوخته بعد از خود است، باید هر مطالبه کارگران معطوف به سرنگونی سریع حکومت اسلامی باشد.

ختم جنگ و صلح، همبستگی طبقاتی، جلوگیری از انفعال کارگران و استیصال جامعه، بازسازی صنایع و... همه و همه به سرنگونی حکومتی بستگی دارد که هر چه از بدبختی و مصیبت که نمی‌شد حتی تصور را کرد، بر سر توده های مردم آوار کرده است. هر رهنمودی باید ناظر به امر سرنگونی حکومت اسلامی باشد، در غیر این صورت عملاً در خدمت جمهوری اسلامی است.

بدهند که: "کارگران چگونه در شرایط جنگی و پسا جنگ میتوانند دوباره مبارزات خود را سازمان دهند...؟ تنها نکته ای که خوشبختانه همگی بر آن تاکید دارند این است در دوران "پسا جنگ" مبارزات کارگران و بازنشستگان اوج مجدد خواهد گرفت. و گر نه اساساً جواب ها ناامید کننده است.

اولین نفر به تجارب جوامع دیگر در زمان جنگ اشاره میکند که در شرایط جنگ و بعد از جنگ "فعالیت کارگری ... می‌تواند در اشکالی چون «همبستگی خُرد»، فعالیت نامرئی» و «هماهنگی سیال» (ظهور یابد. دیگری به تجارب مبارزاتی کارگران فولاد سازها و پتروشیمی ها اشاره میکند و خواستار حفظ ارتباطات و تقویت آنها برای درخواست "دستمزد پایه" برای کارگران صنایع آسیب دیده شده و در عین حال تجمع در مقابل مراکز دولتی برای اخراج و بیکارسازیهای شده است. و آن دیگری خطاب به "کنشگران اجتماعی از جمله فعالان کارگری و دیگر فعالان اجتماعی میگوید که شرایط کنونی "وظایف سنگینی" بر دوش آنها نهاده است و بر "ضرورت گسترش و تقویت ارتباطات متقابل و همبستگی و ارتقای همیاری میان آنها" تاکید دارد. یکی از ایشان خواستار تقویت روحیه ضد جنگ و حفظ تداوم همبستگی طبقاتی است! و آن دیگری بعد از شرح مصیبتهای جنگ، (که تقریباً همگی ایشان یک مروری بر آن داشتند؛ در عین حال خیلی راحت از نقش پر رنگ جمهوری اسلامی در جنگ افروزی رد شده اند و آنچه برجسته شده حمله امریکا و اسرائیل است) بر این تاکید دارد: هر کاری که میکنیم باید زمینه ها و بستر سازی رهبری طبقه کارگر در انقلاب اجتماعی تضمین شود! دیگری تاکید دارد در هنگامه بمباران "کمیته های ضد جنگ و نه به سرکوب رژیم جمهوری اسلامی اقدام به ایجاد زنجیره های انسانی برای حفاظت از محل کار خود کنند." و این را مقابله با "انفعال در شرایط جنگی" میدانند! و بالاخره یکی از ایشان تاکید دارد: "روند بازسازی" صنایع آسیب دیده از جنگ "بلافاصله باید آغاز گردد"، و خواستار مداخله کارگران در امر بازسازی صنایع آسیب دیده است، "کارگران شاغل در آن صنایع می‌توانند بخش اصلی نیروی بازسازی آن صنایع باشند...!"

به اطلاع این دوستان میرسانیم مسئله اصلی برای کارگران برای رسیدن به آرامش و کنترل همه شئونات زندگی شان، تماماً به سرنگونی حکومت اسلامی گره خورده است. تقویت روحیه ضد جنگ تنها در تقویت سازماندهی برای سرنگونی این حکومت معنی میدهد. امر انقلاب اجتماعی در خلاء رخ نمی‌دهد این امر با رهبری

ترکمن عالم (جهت یاهست) فرکانس ۱۰۸۴۵-
عمودی ۲۷۵۰۰- اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتلست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

یوتلست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

KANAL دودار جدید
کانال جدید



جنگ و بیکاری و اخراج زنان کارگر برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری

تشدید و گسترش فقر، بیکاری میلیونی و آسیبهای جدی روانی از جمله پیامدهای جنگ ۳۹ روزه است. جنگی که سیاستهای جنگ افروزان جمهوری اسلامی عامل اصلی بروز آن است.

در این میان، در شرایط جنگی و بحرانی، زنان کارگر بیشترین صدمه ها را می بینند و دیده اند. اولین قربانیان اخراجها یا به زبان سرمایه داران و رژیم اسلامی "تعدیل نیرو" زنان کارگرند. نتیجه مخرب این اخراجها طبعاً تنها به خود کارگران محدود نشده و کل خانواده و در ادامه جامعه را دچار آسیبهای جدی می کند. اوضاع آنچنان وخیم است که صدای نایب رییس اتحادیه زنان کارگر، فاطمه وحدت، را هم در آورده است. وی در گفتگو با ایلنا میگوید:

"در شرایط بحرانی، زنان کارگر بیش از دیگران در معرض اخراج قرار می گیرند؛ به ویژه زنانی که سرپرست خانوار هستند و مسئولیت مستقیم تامین معاش خانواده را برعهده دارند، در اثر این اخراج بیشترین آسیب را متحمل می شوند. این مسئله فقط مربوط به یک شهر یا یک کارخانه نیست. در بسیاری از نقاط کشور، زنان کارگر اولین گروهی هستند که با کوچکترین بحران اقتصادی یا شرایط جنگی از محیط کار حذف می شوند

گسترش ابعاد فقر را دیگر نمیتوان پنهان کرد. فاطمه وحدت در ادامه میگوید: "این روزها آدمهایی را می بینیم که حتی برای خرید نان دچار مشکل هستند. اینها نشانه های کوچکی نیستند. شاید امروز ساده به نظر برسند، اما اگر جدی گرفته نشوند، بعدها به معضل بزرگ اجتماعی تبدیل می شوند.

موج وسیع اخراجها تنها به زنان کارگر محدود نشده و کل طبقه کارگر را نشانه گرفته است. کارگاههای زیادی بدلیل و به بهانه شرایط جنگی و نبود مواد اولیه، دست به اخراج همه و یا بخشی از کارگران شاغل زده اند. حکومت جنگ افروزی می کند و سرمایه دار به بهانه این شرایط کارگر را با اخراج از همان حقوق بخور و نمیر قبل از

جنگ محروم می کند. انداختن نتیجه بحران اقتصادی بدوش کارگران امر جدیدی نیست اما حتی بازرس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، حبیب صادق زاده، را هم مجبور به "انتقاد" کرده است. وی در گفتگو با ایلنا گفته است: "امروز بسیاری از بنگاههای اقتصادی با محدودیت در تولید، اختلال در تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه ها و کاهش تقاضا مواجه شده اند و طبیعی است که این وضعیت بر اشتغال نیز اثر بگذارد. با این حال باید با صراحت گفت که بحران اقتصادی نمی تواند و نباید بهانه ای برای انتقال تمام فشارها به دوش کارگران باشد. نیروی کار نباید اولین و دم دست ترین گزینه برای جبران مشکلات بنگاهها تلقی شود.

به این خیل میلیونی کارگر اخراجی باید هزاران هزار نفری که در اثر قطعی اینترنت شغلشان و تنها منبع درآمدشان را از دست داده اند اضافه کرد. از دستفروش کوچک تا تولید کنندگان مواد غذایی خانگی و با قطعی اینترنت به زیر صفر رسیده اند. جمهوری اسلامی عامل مستقیم این اوضاع بحرانی معیشتی است. ادامه چنین وضعیتی برای میلیونها کارگر و خانواده هایشان قابل تحمل و امکان پذیر نیست. علیرغم سرکوب و اعدامهای روزانه جامعه شاهد حرکتیهای جمعی اعتراضی علیه اخراج و بیکارسازی، علیه فقر و با خواست رفاه و معیشت و کرامت انسانی خواهد بود.

ایستادگی در برابر عفو نمایشی

پاسخ کوبنده علی یونسی و امیرحسین مرادی از زندان

امیرحسین مرادی و علی یونسی، دو دانشجوی دانشگاه شریف که در پرونده های مشترک از سال ۱۳۹۹ محبوس هستند، در واکنش به ابلاغیه «عفو» رژیم، با انتشار نامه هایی صریح به تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه، از پذیرش آن خودداری کردند. دستگاه قضایی با هدف درهم شکستن مقاومت این دو زندانی سیاسی، پیشنهاد آزادی زودهنگام تحت عنوان عفو را مطرح کرده بود؛ اقدامی که تلاشی برای مشروعیت بخشی به احکام ناعادلانه گذشته و تحت فشار گذاشتن آن ها برای ابراز ندامت تلقی می شود.

امیرحسین مرادی در نامه خود، این پیشنهاد را «عفو ننگین» نامید و با اشاره به اعدام های اخیر و سرکوب های خونین، اعلام کرد که هرگز برای رهایی خود از دشمن گدایی نخواهد کرد. او با یادآوری نام دوستان اعدام شده اش که تا آخرین لحظه تن به ذلت ندادند، تأکید کرد که در جایگاه مدعی ایستاده است و نوشت: «ما مردم تحت ستم ایران هستیم که در موضع بخشیدن هستیم؛ اما بدانید که ما نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم. «مرادی تأکید کرد که تا زمان رهایی کامل مردم ایران، به فکر آزادی فردی خود از طریق تعامل با حاکمیت نخواهد بود.

علی یونسی نیز با رویکردی مشابه، آزادی را حقی سلب شده دانست که باید برای بازپس گیری آن مبارزه کرد، نه آنکه آن را تمنا نمود. او با رد قاطعانه درخواست عفو، اعلام



کرد که یاد همبندی های اعدام شده اش مانع از آن می شود که برای آزادی خود چانه بزند. یونسی با مخاطب قرار دادن خانواده های دادخواه، رنج زندان و تبعید را بخشی از وظیفه خود در راه مبارزه دانست و نوشت: «این ما هستیم که باید ببخشیم

یا شما؟» او تأکید کرد که مانند در بند را به پذیرش منت ستمگر ترجیح می دهد.

رد صریح عفو از سوی این دو دانشجوی زندانی، شکست پروژه «توبه سازی» دستگاه های امنیتی را به تصویر کشید. نامه های مرادی و یونسی نشان داد که حتی پس از سال ها حبس و فشار، مرزبندی آن ها با عاملان سرکوب تغییرناپذیر است. این اقدام، پیامی روشن به فضای سیاسی ایران بود؛ اینکه نسل پیشرو، آزادی را نه یک هدیه از سوی حاکمیت، بلکه دستاوردی می بیند که تنها از مسیر ایستادگی و پافشاری بر حق حاصل می شود.

برگرفته از مدیای اجتماعی



دریافتی بسیاری از آنها بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان است و این درحالی است که طبق گزارشات خود حکومت نرخ سبد معیشتی به بالای هفتاد میلیون صعود کرده است.

طبق گزارشات پیش از آغاز جنگ و بحران‌های اخیر، حدود سه هزار نفر در این پروژه‌ها مشغول به کار بوده‌اند، اما اکنون نزدیک به دو هزار نفر از آنان اخراج شده‌اند.

همچنین بنا به گزارشات از ابتدای سال جاری ۳۰۰ کارگر کارخانه بشل موتور شهرستان سوادکوه، استان مازندران اخراج شده‌اند. این کارگران تولید کننده قطعات خودرو و یکی از تامین کنندگان برتر قطعات خودرو شرکت‌های خودروساز (گروه ایران خودرو- گروه سایپا و کرمان موتور) هستند.

طومار اعتراضی جمعی از کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شهرستان آبیک، طبق اخبار منتشر شده جمعی از کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شهرستان آبیک، استان قزوین در اعتراض به تعطیلی شیفت شب درمانگاه شبانه روزی ملکی تامین اجتماعی نبی اکرم طوماری اعتراضی منتشر کرده‌اند. بنا بر خبر شهرستان آبیک و حومه دارای بیش از ۱۲۰ هزار نفر جمعیت است که نزدیک به ۱۰۲ هزار نفر از آنان شامل بازنشستگان و کارگران و بیمه شدگان تحت پوشش تامین اجتماعی هستند و به دلیل اینکه این شهرستان از نظر درمانی در رده پایین قرار دارند مردم این شهرستان اکثر مشکلات درمانی خود را از شهرهای همجوار رفع و رجوع می‌نمایند. تعطیلی شیفت درمانگاه شبانه روز ملکی تامین اجتماعی بر مشکل این کارگران و مردم افزوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۲ مه ۲۰۲۶

ادامه سه شنبه‌های نه به اعدام، تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و هفته تپه و اخباری دیگر

امروز بیست و دوم اردیبهشت ماه کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام علیرغم شدت سرکوبگریهای حکومت در سایه فضای جنگی و قطعی اینترنت در ۵۶ زندان کشور صد و بیستمین هفته خود را پشت سر گذاشت. این کارزار علیرغم تشدید سرکوبگریهای حکومت در سایه فضای جنگی برگزار میشود و بیانیه‌های آن در خاموشی اینترنتی حکومت بازتاب می‌یابد. این کارزار نقطه درخشانی در جنبش علیه اعدام است که پیمان آپریل و کنفرانس نهم مه ماه صدای رسای آن بود.

در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار ضمن اشاره به سرکوبگریهای حکومت و اعدامها در سایه جنگ چنین آمده است: «کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» نیز در همراهی با پایداری مردم شریف ایران تا لغو مجازات اعدام و آزادی ایران با تمام توان می‌ایستد و این کارزار اکنون به نماد مقاومت تبدیل شده‌است.

هر روز از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، روزهای زنده‌ماندن وجدان جمعی است. روزهایی که در آن سکوت مرگبار را می‌شکند تا فریاد «زندگی» را به گوش جهانیان برساند».

تجمع بازنشستگان در شوش و هفته تپه

روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شوش و هفته تپه در اعتراض به تاخیر در افزایش سالانه مستمریها و بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده خود و وخامت هر چه بیشتر وضع معیشتی شان در مقابل سازمان تامین اجتماعی استان خوزستان تجمع کردند.

اعتراض کارگران پتروشیمی چابهار

کارگران پتروشیمی چابهار در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و اخراجها و مشکلات انبوه معیشتی، اعتراض خود را خبری کردند. به گفته این کارگران مزد

بازنشستگان راهی جز اعتراض ندارند!



شرایط را «اسف‌بار» توصیف کرده و گفته است که دستمزدها در برابر تورم موجود توان پاسخگویی ندارند.

به گفته او، بازنشستگان تامین اجتماعی در سال‌های گذشته بارها نسبت به این وضعیت اعتراض کرده‌اند، اما به اعتقادش «صدای آنان از سوی

مسئولان شنیده نشده است. این فعال کارگری حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را که با مزایا تا حدود ۲۳ میلیون تومان می‌رسد زیر خط فقر «دانسته و بر ناکافی بودن آن برای تامین هزینه‌های زندگی تأکید کرده است.

نجاتی همچنین با اشاره به مشکلات ساختاری در سازمان تامین اجتماعی گفته است که بدهی‌های سنگین دولت، کمبود منابع و کاهش ورودی صندوق به دلیل تعطیلی یا رکود برخی واحدهای تولیدی، فشار مضاعفی بر این نهاد وارد کرده است.

او در ادامه تأکید کرده است: «تنها راه پیش روی بازنشستگان اعتراض است.» به گفته او، اگرچه در شرایط فعلی تلاش‌هایی برای پیگیری مطالبات از طریق گفت‌وگو با مسئولان در جریان است، اما در صورت بی‌نتیجه ماندن این روند، بازنشستگان ممکن است بار دیگر مطالبات خود را از طریق تجمعات خیابانی پیگیری کنند... ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

علی نجاتی، فعال کارگری و کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه، در اظهاراتی درباره وضعیت معیشتی بازنشستگان و کارگران، شرایط اقتصادی امروز را برای مزدبگیران «سخت و نگران‌کننده» توصیف کرد.

او در گفتگو با وبسایت «قلمرو رفاه» تأکید کرده است که نه تنها بازنشستگان، بلکه کارگران، معلمان و کارمندان نیز با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، در وضعیت دشواری قرار دارند.

نجاتی با اشاره به رشد قیمت کالاهای اساسی، هزینه‌های درمان و مسکن، این

شورای بازنشستگان ایران: «مدیرعامل، هیئت امناء و مسئولین سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار، فرصت طلبانه، فضای سنگین جنگ و بلاتکلیفی دوران آتش بس و خاموشی اینترنت بین الملل را فرصت مغتنمی برای سکوت و به محاق بردن مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی مخصوصاً تاخیر در تصویب و پرداخت افزایش حقوق سالانه می‌دانند... بازنشستگان تامین اجتماعی هشدار می‌دهند که در این وضعیت سخت معیشتی با بی ارزش تر شدن پول ملی و ناتوانی بی‌سابقه قدرت خرید آنان، هیچ تعللی را در پرداخت افزایش حقوق سالانه که مبتنی بر مصوبات شورای عالی کار است، بر نمی‌تابند و مترصد فرصت برای اعتراض شدید به شرایط معیشتی خود هستند.» ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



دوم ژوئن: آکسیون در مقابل کنفرانس ILO در ژنو

**در اعتراض به حضور
جمهوری اسلامی
در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار
و نسل کشی دیماه
این حکومت آدمکش**

برقرار کننده: کمپین برای آزادی کارگران زندانی

FREE THEM NOW

**زمان:
ساعت یک
بعد از ظهر
دوم ماه ژوئن**

**مکان:
میدان ملل
ژنو**

**FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN**

International Labour Organization
Organisation internationale du Travail
Organización Internacional del Trabajo

دوم ژوئن: آکسیون در مقابل کنفرانس سالانه آی ال او در ژنو

در اجلاس بین المللی سازمان جهانی کار از اول تا دوازدهم ژوئن در ژنو برگزار میشود.

کمپین برای آزادی کارگران زندان (Free Them Now) همانند هر سال در اعتراض به حضور نمایندگان حکومت آدمکش اسلامی در این اجلاس، و برای بلند کردن فریاد دادخواهی نود میلیون مردم دادخواه ایران بخاطر نسل کشی جنایتکارانه این حکومت در دیماه خونین ۱۴۰۵ و ادامه سرکوب و کشتار در سایه فضای جنگی، آکسیونی اعتراضی را در مقابل این اجلاس تدارک دیده است.

این میتینگ اعتراضی از ساعت یک بعد از ظهر روز دوم ماه ژوئن در میدان ملل ژنو برگزار میشود.

یک خواست فوری این نهاد کارگری اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار بعنوان یک گام مهم در بایکوت این حکومت آدمکش در سطح جهان است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچنین در این میتینگ اعتراضی بر سه خواست مهم کارزار آپریل علیه اعدام و زندان، یعنی آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی، و معترضین بازداشتی، توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام و دسترسی آزاد به اینترنت که بستن آن ابزاری برای سرکوب جامعه و کشتار مردم در خاموشی دیجیتالی است، تاکید میکند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) همگان را به پیوستن به این حرکت اعتراضی فرا میخواند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

تماس: ناصر کشکولی

00491778348592

برگرفته از مدیای اجتماعی

<https://free-them-now.com/>

اعتراضات کارگران پترونا، کارگران صاپنا و کارکنان توسعه نیشکر

صنایع جانبی خواستار پایان دادن به روند پرداخت های ناقص و علی الحساب شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۶ مه ۲۰۲۶

تجمع کارگران پترونا در اعتراض به اخراجها

امروز شب ۲۶ اردیبهشت کارگران پترونا در منطقه بندر امام اعتراض به اخراج بیش از ۲۰۰ کارگر این مجتمع و با خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی در مقابل فرمانداری و اداره کار دست به تجمع زدند. این کارگران در همین رابطه در روزهای گذشته نیز تجمعاتی داشته اند. به گفته کارگران قرار بوده که همه آنها از ابتدای سال جاری برای فازهای مختلف این مجموعه به کار اشتغال یابند. اما پس از آغاز فعالیت ها بعد از تعطیلات نوروز، بیش از ۲۰۰ نفر آنها اخراج شده اند که بسیاری از آنها از جمله استادکاران فیتز، سیویل، جوشکار و مونتاژکار هستند که بیش از دو سال در این شرکت کار کرده اند و برخی حتی سابقه بیشتری دارند. طبق گزارشات شرکت پترونا تولید کننده مواد اولیه پتروشیمی مورد استفاده در صنایع دارویی و برخی صنایع دیگر است و در حال تبدیل شدن به هفت واحد مختلف است و بخش عمده ای از نیروهای اخراج شده، در ساخت همین واحدها نقش داشته اند.

اعتراض کارگران صاپنا به اخراجها

طبق گزارشات منتشر شده از دو ماه پیش تاکنون ۵۰ تن از کارگران کارخانه ی «صاپنا» (واقع در نورآباد دلفان (استان لرستان)، به بهانه ی «نبود مواد اولیه» اخراج شده اند. این شرکت سازنده ی لوله و اتصالات پلاستیکی است. در رابطه با این اخراجها کارگران صاپنا چندین تجمع اعتراضی داشته اند. و اعتراض آنها ادامه دارد.

اعتراض کارکنان توسعه نیشکر به پرداخت ناقص حقوق

روز بیست و دوم اردیبهشت ماه جمعی از کارکنان و کارگران شرکت توسعه نیشکر و



FREE THEM NOW

DURING THE BLOODY CRACK-DOWN ON PROTESTS BY THE ISLAMIC REGIME, TENS OF THOUSANDS HAVE BEEN ARRESTED. WITH THE CRACK-DOWN OF THE WAR, ARRESTS HAVE INCREASED. AMONG THOSE DETAINED ARE NUMEROUS LABOR ACTIVISTS, TEACHERS, NURSES AND CHILD RIGHTS ADVOCATES.

ALL BE RELEASED FROM THE JANUARY RABBARIE, ALONG WITH ALL POLITICAL PRISONERS MUST BE RELEASED IMMEDIATELY AND UNCONDITIONALLY.

BOYCOTT THE ISLAMIC REGIME OF IRAN! THE LEADERS OF THIS REGIME MUST BE TRIED IN THE INTERNATIONAL TRIBUNALS FOR THEIR CRIMES

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN



در یک همبستگی گسترده، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، بیست ژوئن، را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم

زندانی سیاسی، صدای اعتراض جامعه است. زندانیان سیاسی، این پرچمداران اعتراض به وضع موجود، شایسته‌ی وسیع‌ترین حمایت‌ها هستند. امسال، در شانزدهمین سال برگزاری بیست ژوئن - روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی - در شرایطی به استقبال این روز می‌رویم که جمهوری اسلامی، پس از سرکوب خونین اعتراضات مردمی و کشتار هزاران معترض، موج تازه‌ای از اعدام، بازداشت و سرکوب را علیه آزادی‌خواهان و مخالفان سیاسی به راه انداخته است. امروز، و به‌ویژه در شرایط جنگی کنونی، جان زندانیان سیاسی بیش از هر زمان دیگری در معرض خطری جدی قرار دارد.

در زندان‌های جمهوری اسلامی، زندانیان سیاسی تحت شدیدترین فشارهای غیرانسانی قرار دارند؛ محرومیت از دارو و درمان، نبود دسترسی به آب آشامیدنی سالم و غذای کافی، شرایط غیربهداشتی، شکنجه‌های روحی و جسمی و انتقال به مکان‌های نامشخص، عامدانه زندگی آنان را در معرض نابودی قرار داده است. بسیاری از زندانیان بیمار از ابتدایی‌ترین حق درمان محروم‌اند و خانواده‌های آنان نیز تحت تهدید و فشار دائمی قرار دارند.

هم‌زمان، حکومت با قطع و محدودسازی اینترنت و تلفن و نیز سرکوب رسانه‌ها تلاش می‌کند صدای مردم معترض و ابعاد جنایات خود را از افکار عمومی جهان پنهان کند. اما حقیقت را نمی‌توان خاموش کرد. صدای زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه، صدای آزادی‌خواهی مردمی است که در برابر کشتار و جنایت ایستاده‌اند.

امسال نیز، همانند سال‌های گذشته، کمیته آزادی زندانیان سیاسی از همه مدافعان آزادی زندانیان سیاسی و مخالفان اعدام دعوت می‌کند تا با صدایی هرچه رساتر، در سراسر جهان، صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان برسانیم.

در همین راستا، امسال در کنار برگزاری یک هفته سمینارها و اعتراضات خیابانی از ۱۸ ژوئن تا ۲۴ ژوئن، کنفرانسی را در شهر تورنتو - کانادا، در تاریخ ۲۰ ژوئن، با حضور دادخواهان، جان‌به‌دربردگان، شخصیت‌های سیاسی، نمایندگان نهادها و

سازمان‌های بین‌المللی، جامعه پزشکی و هنرمندان برگزار می‌کند.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی از فعالان مدنی و سیاسی، نهادها، سازمان‌ها، شبکه‌ها، کارزارها، تشکل‌ها و احزاب سیاسی می‌خواهد که تمام امکانات خود را به‌کار گیرند و در هر نقطه از جهان که هستند، به مناسبت بیست ژوئن، با شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «توقف و لغو حکم اعدام» صدای زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان باشند.

بیستم ژوئن، روز همبستگی با زندانیانی است که برای آزادی، عدالت و کرامت انسانی بهای سنگینی می‌پردازند. دفاع از آنان، دفاع از انسانیت است.

اطلاعات تکمیلی کنفرانس و جزئیات آن متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۲ مه ۲۰۲۶

برای تماس رسانه‌ای:

سهیلا دالوند: دبیر کمیته آزادی زندانیان سیاسی

تلفن: ۰۰۱۶۱۳۸۵۰۴۹۲

ایمیل: soheiladalvand7@gmail.com

برگرفته از مدیای اجتماعی

هشدار آکسفام: رکوردشکنی بی‌سابقه ثروت میلیاردرها در برابر فقر نیمی از جهان

است، میلیاردرها هزاران برابر بیشتر از مردم عادی شانس تصاحب مناصب سیاسی دارند. این سازمان تأکید کرده که ۶۰ درصد ثروت میلیاردرها «واقعی» (نیست و از راه‌هایی مانند ارث، انحصار، روابط قدرت و زدوبندهای غیررقابتی به دست آمده است. آکسفام این وضعیت را خطری برای دموکراسی و ثبات اجتماعی در جهان خوانده است.

برگرفته از مدیای اجتماعی

سازمان آکسفام در تازه‌ترین تحلیل خود از نابرابری جهانی اعلام کرد که سال ۲۰۲۵ رکوردی تلخ را به ثبت رسانده است: مجموع دارایی میلیاردرهای جهان به ۱۸٫۳ تریلیون دلار رسیده که در یک سال ۱۶ درصد رشد داشته است. این رشد سه برابر سریع‌تر از میانگین سال‌های اخیر است.

در سوی دیگر، نزدیک به نیمی از جمعیت جهان در فقر به سر می‌برند و از هر چهار نفر، یک نفر غذای کافی ندارد.

آکسفام هشدار می‌دهد که نابرابری اقتصادی به قدرت سیاسی نیز تبدیل شده

BOYCOTT
Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran